

## معیار و ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران و فرانسه

### چکیده

سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ممنوع است و اشخاص نمی‌توانند از حقوق خود سوءاستفاده نمایند، از این‌رو، ممنوعیت سوءاستفاده از حق به‌عنوان یک اصل حقوقی در دادرسی مدنی پذیرفته شده است؛ اما سوال مهمی که در این خصوص وجود دارد آن است که ضابطه و معیار سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی چیست؛ به‌این معنا که چه استفاده‌ای از حق، غیرمجاز و مشمول سوءاستفاده از حق است. هدف این پژوهش، پاسخ به‌همین سوال است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که با توجه به تبصره ماده ۱۰۹ و مواد ۱۳۳، ۱۳۹ و ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی و همچنین توجه به مبانی سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی (هدف دادرسی، نظم عمومی و نقش اخلاق)، اعمال حق در دادرسی مدنی ایران با انگیزه‌ای غیر از دادخواهی و دفاع از خود، سوءاستفاده از حق و غیرمجاز است. در حقوق فرانسه نیز اگرچه طبق قاعده قدیمی، سوءنیت در اعمال حق موجب سوءاستفاده از حق است اما با گذشت زمان، دیوان عالی فرانسه به نظریه تقصیر نیز گرایش پیدا کرده و گفته شده نمی‌توان ضابطه‌ای واحد برای سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی در نظر گرفت.

**واژه‌گان کلیدی:** اصول حقوقی، تقصیر، تقلب نسبت به قانون، حسن نیت، سوءنیت.

## مقدمه

در قانون آیین دادرسی مدنی، حقوق متعددی برای اصحاب دعوا در نظر گرفته شده است، حق دادخواهی و جلوه‌های آن یعنی حق اقامه دعوا و حق شکایت از آراء، حق طرح ایرادات و دفاعیات، از جمله این حقوق هستند. ممکن است این حقوق مورد سوءاستفاده قرار گیرند. در قانون فرانسه ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی به صراحت و به موجب مواد متعددی از جمله ۱-۳۲ (در مورد حق دادخواهی)، ۵۵۹ (در مورد پژوهش خواهی)، ۵۸۱ (در مورد طرق فوق العاده شکایت)، ۶۲۸ (در مورد فرجام خواهی) قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه، پذیرفته شده است؛ اما در قانون ایران، موارد اعلام ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی، به وضوح و تعدد قانون فرانسه نیست و در معدود مواد قانونی (از جمله تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی)، ممنوعیت سوءاستفاده از حق، اعلام گردیده است؛ با این- وجود، همان گونه که برخی به تفصیل گفته‌اند، باتوجه به مستندات چونی: «الف) اصل ۴۰ قانون اساسی، (ب) نقش ممنوعیت سوءاستفاده از حق به عنوان یکی از اصول حقوقی، (ج) توجه به هدف دادرسی مدنی، (د) نظم عمومی و نیز (ه) نقش اخلاق در حقوق»، نباید در ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی تردید نمود و این ممنوعیت، منحصر به مواردی که قانون پیشبینی کرده (مثل تبصره ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی) نیست، بلکه به عنوان یک اصل حقوقی در سرتاسر دادرسی حکومت دارد.<sup>۱</sup>

پس از شناسایی ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی، قدم اول، شناخت معیار و ضابطه آن است به این معنای بهره‌مندی از حق تا چه میزانی و تحت چه شرایطی «مجاز» و مشمول «استفاده» از حق است و در چه شرایطی «غیرمجاز» و مشمول «سوءاستفاده» از حق است؛ هدف این پژوهش نیز همین موضوع است. پاسخ به این سوال

---

۱. محمد بافهم؛ عزیزاله فهیمی و مهدی حسن‌زاده، «سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران و فرانسه»، فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۱ (تیر ۱۴۰۲)، صص ۱۵۰ و ۱۵۱.

تحت عنوان «ضابطه»؛ «معیار» یا «ملاک» سوءاستفاده از حق، در قالب نظریاتی بیان شده است.

به صورت کلی (نه فقط در مورد دادرسی مدنی) سه ضابطه‌ی «سوءنیت»، «تقصیر» و «غایت اجتماعی» ارائه شده است. هریک از این ضوابط، قلمرو متفاوتی در برمی‌گیرد؛ برای مثال، چنانچه ضابطه سوءاستفاده از حق، تقصیر باشد، به صرف تقصیر شخص، عمل وی سوءاستفاده از حق و غیرمجاز تلقی می‌شود، اما اگر سوءنیت معیار سوءاستفاده از حق باشد، در این صورت عمل تقصیرآمیز مادامی که عامدانه و با سوءنیت نباشد، سوءاستفاده از حق نیست و مجاز است؛ بر این اساس ممکن است عمل واحدی مطابق یک ضابطه، اعمال حق و مجاز باشد و مطابق ضابطه دیگر، سوءاستفاده از حق و غیرمجاز تلقی گردد؛ از این رو، شناسایی ضابطه یا معیار سوءاستفاده از حق، واجد اهمیت به‌سزایی است. صرف نظر از موارد فوق، آنچه ضرورت انجام پژوهش حاضر را دوجندان می‌نماید، این است که در آثار حقوقی موجود در ایران، در مورد ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی، مطلب قابل توجهی بیان نشده است و ضوابط ارائه شده در مورد حقوق ماهوی و مصادیق آن (از جمله تصرفات مربوط به همسایگان)، می‌باشد که در خصوص همین مصادیق نیز وحدت نظر وجود ندارد و حتی به اعتقاد یکی از حقوق دان فرانسه، در واقع هیچ چیز از معنای عمیق و گسترده اعمال این نظریه بدتر مشخص نگشته است. از لحاظ کاربردی نیز نظر به این که یکی از چالش‌های مهم دادگستری ایران، اطاله دادرسی است و سوءاستفاده از حق در دادرسی نیز از مهمترین علت‌های این چالش است، لذا ضروری است ابعاد مختلف اصل ممنوعیت سوء استفاده از حق در دادرسی تبیین گردد تا در حقوق ایران نیز مانند فرانسه، این اصل حقوقی برای مقابله با سوءاستفاده از حق، مورد استناد مراجع قضایی قرار گیرد؛ بر این اساس ضرورت دارد پژوهشی مستقل در خصوص معیار یا ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ارائه شود.

---

۱. ژرژ ریبر، «قاعده اخلاقی در تعهدات مدنی»، ترجمه حسنعلی درودیان، بر منهج عدل، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۳)، ص ۲۶۸.

با توجه به این که قانون گذار فرانسه راجع به ممنوعیت سوء استفاده از حق در دادرسی مدنی، مقررات متعددی وضع نموده است و این موضوع به خوبی در رویه قضایی و دکترین حقوقی آن کشور نیز نفوذ یافته است، لذا به جهت غنای حقوق فرانسه در مورد موضوع، پژوهش حاضر به صورت تطبیقی با حقوق فرانسه ارائه می گردد و از همین رو، در ترتیب بیان مطالب، حقوق فرانسه تقدم دارد.

در گام نخست، معیار یا ضوابط سوءاستفاده از حق به صورت کلی (نه فقط دادرسی مدنی)، ارائه می گردد، سپس ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی بررسی می شود.

### ۱. معیارهای سوءاستفاده از حق به صورت کلی

در مورد معیار تحقق سوءاستفاده از حق (به صورت کلی و در مورد هر حقی)، سه ضابطه یا معیار از سوی حقوق دانان ارائه شده است. در ادامه، هریک از آنها تبیین می گردد.

#### ۱-۱. تقصیر<sup>۱</sup>

مطابق این نظریه که مبتنی بر ماده ۱۲۴۰ (۱۳۸۲ سابق) قانون مدنی فرانسه است؛ «تقصیر» ملاک و مبنای تحقق سوءاستفاده از حق است؛<sup>۲</sup> به این معنا که سوءاستفاده از حق، زمانی تحقق می یابد که صاحب حق، عمداً یا سهواً مرتکب رفتاری شود که یک فرد عادی و محتاط، مرتکب آن نمی گردد؛ برای مثال دیوان عالی فرانسه، تجدیدنظرخواهی ای که هیچ شانس برای موفقیت ندارد را سوءاستفاده از حق تلقی کرده است.<sup>۳</sup> در حقوق ایران نیز به نظر

---

۱ Fault.

۲ Gabriel Marty, Pierre Raynaud, Droit civil, (Paris: Siery, 1962), n° 417; Ambroise Colin, Henri Capitan, Traité de droit civil. Tome 2, (Paris: Dalloz, 1953), n° 195.

به نقل از: حمید بهرامی احمدی، سوءاستفاده از حق، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام های حقوقی، (تهران: موسسه اطلاعات، ۱۳۷۷)، ص ۱۰۵.

۳ Cour de cassation, Civ. 2e, 4 mai 2000, n° 95-21.567, JCP 2000. II. 10356, note Garé.

یکی از استادان حقوق، مفاد ماده ۱۳۲ قانون مدنی، در زمینه روابط همسایگان که محل مرسوم طرح مساله سوءاستفاده از حق است، نظریه تقصیر را تأیید می‌کند. شرط «علت موجه» در ماده ۱۰۳۶ قانون مدنی نیز، به گونه‌ای دیگر، معیار فوق را تأیید می‌کند.<sup>۲</sup>

این نظریه بیشتر بر «عمل» فرد، -از این لحاظ که بایستی مطابق عمل انسان متعارف باشد- تأکید دارد و «انگیزه» فرد (سوءنیت و قصد اضرار)، در تحقق یا عدم تحقق سوءاستفاده از حق، موثر نیست.<sup>۳</sup> بنابراین، یکی از نتایج پذیرش این نظریه این است که: حتی اگر شخصی با حسن نیت و بدون قصد اضرار به دیگری و مثلاً به دلیل جهل وی به قانون و این که صرفاً تصور می‌کرده ذی‌حق است یا تصور می‌کرده بعداً دلیل تحصیل خواهد کرد، اقدام به اقامه دعوا یا شکایت از رأیی نماید، ممکن است دعوای چنین شخصی، سوءاستفاده از حق، تشخیص داده شود؛ چراکه گفته شد، توجه و تمرکز نظریه تقصیر، بر عمل فرد می‌باشد. فرد متعارف، بدون آگاهی به قوانین و بدون داشتن دلیل، اقدام به اقامه دعوا نمی‌کند؛ در نتیجه حتی اگر انگیزه‌ی وی دادخواهی باشد، دعوای او سوءاستفاده از حق خواهد بود؛ بنابراین، مطابق این نظریه، دعوای واهی اعم از آن که خواهان، به محق نبودن خود آگاه یا ناآگاه باشد، سوءاستفاده از حق خواهد بود.

## ۱-۲. سوءنیت یا قصد اضرار<sup>۴</sup>

طرفداران این نظر، سوءاستفاده از حق را به این دلیل قابل مجازات می‌دانند که به اصول اخلاقی لطمه می‌زند؛ به اعتقاد این نظریه در سوءاستفاده از حق، تعارض بین یک حق

۱. ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۱)، صص ۴۲۷-۴۲۹؛ ناصر کاتوزیان، «سوءاستفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴ (۱۳۵۸)، ۱۱۱ و ۱۱۲؛ همچنین برخی از اصطلاح‌بی‌احتیاطی استفاده کرده‌اند. رک: مهدی شهیدی، «تجاوز از حق»، تحقیقات حقوقی ۴، شماره‌های ۳۳ و ۳۴ (شهریور ۱۳۸۰)، ص ۵۷.

۲. ناصر کاتوزیان، پیشین، صص ۱۱۲ و ۱۱۳.

۳. حمید بهرامی‌احمدی، پیشین، ص ۱۰۵.

۴ Intention de nuire.

مثبت متعلق به شخص و یک وظیفه اخلاقی که برعهده دارد می‌باشد؛ شخص ذی‌حق با استفاده از حق خود، در انجام وظیفه اخلاقی خود کوتاهی می‌کند. از آنجا که رعایت اخلاق در اعمال حقوق لازم و ضروری است، لذا سوءاستفاده از حق، ممنوع بوده و از این‌رو معیار آن، قصد اضرار است. به این معنا که «اعمال حق صرفاً با انگیزه ضرر به غیر صورت پذیرفته شود»؛<sup>۳</sup> برای مثال، خواهان با داشتن امکان اقدام در برابر چندین دادگاه جهت مطالبه حق خویش، تنها به منظور وارد آوردن شدیدترین زیان به خواننده، دادگاهی را که کمتر از همه برای وی سهل‌الوصول باشد، برمی‌گزیند.<sup>۴</sup> برخی حقوق‌دانان ایران نیز در تعریف سوءاستفاده از حق، قید «قصد اضرار» را به کار برده‌اند و در مقام تعریف سوءاستفاده از حق تصریح کرده‌اند: «اضرار به غیر، عامداً ضمن اعمال حقی از حقوق خصوصی مانند آن که صدای رادیو را زیاده از اندازه بلند کند به قصد آزار همسایه».<sup>۵</sup> به این ترتیب، طبق این نظر، ضابطه تحقق سوءاستفاده از حق، قصد اضرار می‌باشد.

با توجه به این که مطابق این نظریه، ملاک تحقق سوءاستفاده از حق، قصد و انگیزه‌ی فرد می‌باشد؛ یکی از نتایج پذیرش این نظریه آن است که: سوءاستفاده از حق، مختص مواردی نیست که فرد در ماهیت موضوع دعوا، حقی نداشته، بلکه شامل مواردی که فرد، واجد حق است نیز می‌باشد؛ به این صورت که شخصی که واقعاً در ماهیت موضوع دعوا، دارای حق بوده؛ مثلاً واقعاً از فرد دیگری طلبکار است، اگر چنین شخصی، نه به قصد رسیدن به این حق و طلب خود، بلکه به قصد اضرار به شخص دیگری (مثلاً خدشه به آبروی طرف، از طریق اقامه دعوا)، اقدام به اقامه دعوا نماید، عمل وی سوءاستفاده از حق خواهد بود؛

---

د Savatier, René, Des effets et de la sanction du devoir moral en droit positif français et devant la jurisprudence, (Thèse pour le doctorat en Sciences juridiques, Poitiers université, 1916), p23.

۲. ژرژ ریبر، پیشین، ص ۲۶۸.

۳. Jean Dabin, Le droit subjectif, (Paris: Dalloz, 1952), pp 293 et après cela;

به نقل از: حمید بهرامی احمدی، پیشین، ص ۱۰۹.

۴. ژرژ ریبر، پیشین، صص ۲۷۸ و ۲۷۹.

۵. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی، ج ۴، (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸)، ص ۲۲۰۸.

چراکه مطابق این نظریه، ضابطه تحقق سوءاستفاده از حق، به «قصد و انگیزه» شخص در مورد استفاده از حق، بازمی‌گردد.

### ۱-۳. غایت و هدف اجتماعی حق<sup>۱</sup>

بر طبق این ضابطه، هر حق براساس یک هدفی به‌وجود آمده و باید به‌سمتی حرکت کند که برای آن ایجاد شده است؛ بنابراین، «عمل سوء استفاده، عملی است که مغایر با روح و هدف آن حق است» و بر همین اساس گفته شده است: «حقوق برای یک مأموریت اعطا می‌شود. اگر به‌طور ناپسند اعمال شوند، از هدف خود منحرف می‌شوند»؛<sup>۲</sup> برای مثال، دیوان عالی فرانسه در رأی مورخ ۲۲ مارس ۱۹۵۳ اعتصاب‌هایی که با هدف سیاسی برگزار شد، سوءاستفاده از حق محسوب کرد. در برخی از قوانین ایران نیز، از نظریه غایت اجتماعی حق، پیروی شده است؛ از جمله در اصل ۴۰ قانون اساسی که می‌گوید: «هیچکس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به ... منافع عمومی قرار دهد». در قانون مدنی ایران نیز موادی وجود دارد که نشان‌دهنده توجه به این معیار است؛ از جمله مواد ۱۱۸۴ و ۱۱۹۱ و شرط مصلحت در تبصره ماده ۱۰۴۰ و ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی بر مبنای ضابطه غایت اجتماعی حق، استوار است.<sup>۳</sup>

در تطبیق این نظریه در دادرسی مدنی می‌توان گفت در صورت پذیرش این نظریه، برای تشخیص سوءاستفاده از حق در دادرسی بایستی مشخص شود، هدف از دادرسی و حقوقی که در جریان دادرسی به افراد اعطا شده چیست سپس به‌کارگیری این حقوق، خارج از این هدف، سوءاستفاده از حق خواهد بود.

---

۱) Détournement du droit de ses fonctions sociales.

۲) François Laurent, Principes de droit civil français, (Paris: Bruylant-Christophe, 1874), p 189.

۳. حمید بهرامی‌احمدی، پیشین، صص ۲۰۹ و ۲۱۰.

در مقام مقایسه این نظریه با سایر نظریات باید گفت: به اعتقاد ژوسران معیارهای دیگر (قصد اضرار و تقصیر)، هر کدام بخشی از حقیقت را شامل می‌شوند، معیارهای قبلی فقط باعث شد که یک جنبه یا جنبه‌های خاصی از نظریه سوءاستفاده درک شود، درحالی‌که در نظر ژوسران، محور اصلی توجه و استدلال این است که استفاده از حق، منطبق با غایت و هدف نهایی آن می‌باشد یا نه، و مسأله غایت و جهت مشروع باتوجه به این امر در نظر گرفته می‌شود، زیرا «روح» و «غایت نهایی قانون» عاملی است که به وسیله آن می‌توان مشروعیت یا عدم مشروعیت اعمال حق را تشخیص داد. در هر حال وقتی غایت و هدف اجتماعی حقوق در نظر گرفته می‌شود، دیگر موضوع در مرحله قصد اضرار باقی نمی‌ماند و حتی در مرحله تقصیر نیز متوقف نمی‌شود، بلکه حتی ممکن است کسی که حق خود را اعمال می‌کند در اعمال حق، قصد اضرار نداشته و مانند یک انسان عاقل محتاط نیز عمل کند ولی به علت آن که نتیجه حاصله از عمل او مغایر هدف اجتماعی حق است، از مصادیق سوءاستفاده از حق محسوب گردد، به این ترتیب، برخلاف نظریه قصد اضرار که معیاری ذهنی است، در نظریه غایت اجتماعی ملاک، نتیجه و عمل فرد است، این که نتیجه و عمل برخلاف غایت حق باشد، سوءاستفاده از حق محقق شده است.

#### ۴-۱. نظریه ترکیبی

به اعتقاد حقوق دانان معاصر فرانسه، در خصوص سوءاستفاده از حق (به صورت کلی)، از نظریه واحدی پیروی نشده است و «مسلم است که در راه حل‌های اتخاذ شده وحدت وجود ندارد؛ سوءاستفاده گاهی (به عنوان مثال، در مسائل مربوط به املاک) براساس قصد اضرار است. در موارد دیگر، (مانند سوءاستفاده از حق اکثریت شرکا در شرکت‌های تجاری) ملاک، سوءاستفاده از هدف و عملکرد حق می‌باشد. در مواردی دیگر نیز رفتار غیرمتعارف

---

۱ Louis Josseland, De l'esprit des droits et de leur relativité : Théorie dite de l'abus des droits (Paris: Dalloz, 1939), p394.

۲ حمید بهرامی احمدی، پیشین، ص ۱۱۳.



(تقصیر ساده) ملاک است.<sup>۱</sup> درواقع، مراجع قضایی، بسته به نوع حقوق اعمال شده، سوءاستفاده را متفاوت توصیف می‌کنند و این تنوع معیارها می‌تواند تصور عدم‌وحدت را ایجاد کند،<sup>۲</sup> اما به‌صورت کلی می‌توان گفت در غالب موارد، برای ایجاد مسئولیت ناشی از اعمال حق، قصد اضرار (معیار اصلی سوءاستفاده) لازم نیست، بلکه برای ایجاد مسئولیت یک تقصیر ساده کافی است.<sup>۳</sup>

در حقوق ایران نیز به شرحی که گذشت، در مواد قانونی مختلف از جمله مواد ۳۲، ۱۱۸۴، ۱۱۹۱ و ۱۰۴۳ قانون مدنی و اصل چهارم قانون اساسی و همچنین از سوی حقوق‌دان، هر سه ضابطه قصد اضرار، تقصیر و غایت اجتماعی حق، قابل استنباط است و هریک از نظریات متکی به استدلال حقوقی است و از سوی حقوق‌دانان برجسته‌ای مطرح شده‌است.

## ۲. معیار سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی

در قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه که سوءاستفاده از حق ممنوع اعلام شده تعریف یا ملاکی از آن ارائه نگردیده است. در قانون آیین دادرسی مدنی ایران ابهام کمتری وجود دارد، به این صورت که در موارد جزئی، بدون اشاره به سوء استفاده از حق، مصادیقی از آن بیان شده است. آنچه مسلم است بین نتیجه دعوا یا اقدام (اعم از رد یا پذیرش آن) با تحقق یا عدم تحقق سوء استفاده از حق، ملازمه و رابطه حتمی و تخلف ناپذیر وجود ندارد با این توضیح که:

صرف صدور حکم به‌نفع شخصی، مانع از تحقق سوءاستفاده از حق نیست. با این توضیح که در فرانسه قبل از سال ۱۹۹۵ برای تحقق سوءاستفاده از حق (خواه در مورد

---

<sup>۱</sup> Henri Capitant, Sur l'abus des droits, (Paris: RTD civ, 1928), p 375. Citée in: Loïc Cadiet, Philippe leTourneau, Abus de droit, (Paris: Dalloz, 2015), n° 28

<sup>۲</sup> Loïc Cadiet, Philippe leTourneau, Ibid, n° 3.

<sup>۳</sup> Ibid, n° 4.

خواهان یا خوانده) لازم بود دعوا یا دفاع با شکست مواجه شود، حتی اگر به صورت جزئی پیروز شده بود، سوءاستفاده منتفی بود.<sup>۱</sup> اما دیوان عالی فرانسه در سال ۱۹۹۵، این رویه را تغییر داد و استدلال کرد «ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی (ماده ۱۲۴۰ فعلی) مستثنی نمی‌کند که دادگاه تجدیدنظر، یکی از طرفین درخواست یا دفاعی که در مرحله بدوی تأیید شده است را به دلیل سوء استفاده، محکوم کند».<sup>۲</sup> با این حال، دیوان عالی فرانسه فقط در شرایط خاص که تعیین آن‌ها به عهده قضات است، این امکان را برای قضات دادگاه فراهم می‌داند.<sup>۳</sup>

از سوی دیگر صرف این که خواهان در دعوی خود شکست خورد یا چنانچه خوانده محکوم شود، الزاماً موجب سوءاستفاده از حق تلقی کردن اقدام آن‌ها نمی‌شود.<sup>۴</sup> به این ترتیب، اگر تجدیدنظرخواه همان استدلال‌هایی را مطرح کند که قبلاً در برابر دادگاه بدوی مطرح نموده و توسط آن دادگاه رد شده است، به خودی خود به معنای سوءاستفاده از حق تجدیدنظرخواهی نیست.<sup>۵</sup> حتی فراتر از اینکه صرف رد درخواست موجب تحقق سوء استفاده از حق نیست، گفته شده که حتی صرف ورود خسارت نیز الزاماً موجب تحقق سوء استفاده از حق نیست، به این معنا که چنانچه دعوی حقوقی بی‌اساس تشخیص داده شود، قضات نمی‌توانند بدون توجه به این موضوع، صرفاً با ذکر این نکته که اقدام خواهان موجب ضرر او

---

<sup>۱</sup> Cour de cassation, Civ. 1re, 14 oct. 1964, Bull. Civ. I, n° 448. – Com. 10 févr. 1965, Bull. Civ. III, n° 108. – Civ. 2e, 11 mars 1987, n° 85-16.815, Bull. Civ. II, n° 66.

<sup>۲</sup> Cour de cassation, Civ. 1re, 7 nov. 1995, n° 92-10.053, Bull. Civ. I, n° 388. – Com. 20 mai 2014, n° 13-14.933: «Le fait qu'une partie a obtenu gain de cause en première instance ne fait pas nécessairement obstacle à ce que la juridiction du second degré retienne à son encontre un abus du droit d'agir en justice».

<sup>۳</sup> Cour de cassation, Civ. 1re, 20 mars 2013, n° 11-27.285, Bull. Civ. I, n° 42: Circonstances particulières spécifiées, en l'occurrence une «véritable machination» développée par l'arrêt.

<sup>۴</sup> Cour de cassation, 2e, 24 juin 1987, n° 84-15.173, Bull. Civ. II, n° 137. – Civ. 1re, 10 juill. 2014, n° 13-21.049: « motifs impropres à caractériser une faute de X... de nature à révéler un abus de droit dans l'exercice d'une voie de recours.

<sup>۵</sup> Cour de cassation. Civ. 3e, 16 janv. 1991, n° 89-13.236, Bull. Civ. III, n° 26 ; D. 1991. Somm. 323, obs. Aubert.

شده است (مشکلات تجاری ناشی از اختلاف، نگرانی‌ها، هزینه‌ها و غیره)، وی را به سوءاستفاده از حق محکوم کنند. بلکه شرایط خاصی وجود دارد که اقدام به سوءاستفاده از حق دادخواهی تبدیل می‌شود و تعیین این شرایط به‌عهد قاضی پرونده است. برای مثال دیوان عالی فرانسه حکم صادره از سوی دادگاه بدوی که به‌موجب آن یک شرکت را به‌جهت سوءاستفاده از حق، به پرداخت جریمه مدنی محکوم کرده بود را به‌لحاظ این که علت سوء استفاده از حق تلقی کردن عمل شرکت، مشخص نشده را نقض کرده است. به‌عبارت دیگر، سوءاستفاده، از حق دادخواهی قابل تمایز است؛<sup>۴</sup> این کنترل ضروری است، زیرا در بیشتر موارد، خواننده برای جبران هزینه‌های غیرقابل جبران، سوء استفاده را به طرف مقابل خود نسبت می‌دهد.<sup>۵</sup> در همین راستا، بسیاری از احکام به‌دلیل فقدان مبنای حقوقی و اکتفا کردن دادگاه‌ها به فرمول‌های کلیشه‌ای از قبیل: «اقدام سوء استفاده‌آمیز»، «درخواست غیرموجه»، «مقاومت بی‌جا»، «درخواست مبتنی بر هیچ مبنای عینی»، «تجدیدنظر سوء-استفاده‌آمیز» و غیره، توسط دیوان عالی فرانسه نقض شده است.<sup>۶</sup>

در ادامه، معیارهایی که در مورد سوء استفاده از حق در دادرسی مدنی قابل طرح است، بررسی گردیده و اعلام می‌شود کدامیک از این معیارها مورد پذیرش حقوق فرانسه و ایران قرار گرفته است.

---

<sup>۱</sup> Cour de cassation, Soc. 1er déc. 1950, Bull. Civ. III, n° 910. – Com. 11 févr. 1963, Bull. Civ. III, n° 92. Civ. 2e, 8 oct. 1970, D. 1971. Somm. 31

<sup>۲</sup> Cour de cassation, Civ. 2e, 5 févr. 2015, n° 14-11.169

<sup>۳</sup> Cour de cassation, Civ. 1re, 5 déc. 2006, n° 05-21.557, PIBD 2007. III. 95.

<sup>۴</sup> L'abus est détachable du droit d'action: Cour de cassation, – Civ. 1re, 25 févr. 1986, n° 84-14.208, Bull. Civ. I, n° 38; JCP 1987. II. 20776, note Remery. – Civ. 3e, 19 févr. 2003, n° 01-13.429, RJDA 2003, n° 558).

<sup>۵</sup> Frédéric et Jérôme Pansier, Abus de procédure, article 700 du Code de procédure civile et référé. Chronique, JCP 1983. I. 3105 et 3111.

<sup>۶</sup> Cour de cassation, Civ. 6 nov. 1946, D. 1947. 49. – Com. 29 mai 1967, JCP 1967. II. 15205, note Jack-Mayer. – Com. 15 mai 2007, n° 06-11.583, PIBD 2007. III. 473. – Civ. 3e, 8 oct. 2008, n° 07-14.396, Bull. Civ. III, n° 148.

## ۱.۲. تقصیر

شعبه شکایت‌ها (سابق) و شعبه کیفری آدیوان عالی فرانسه در برخی آراء خود، محکومیت اصحاب دعوا را درحالی تأیید کرده‌اند که اقدامات آن‌ها ناشی از تقصیر ساده<sup>۳</sup> بود.<sup>۴</sup> پذیرش ضابطه تقصیر ساده به‌عنوان ملاک تحقق سوءاستفاده از حق به دو شکل است:

الف. به‌صورت غیرصریح: رویه قضایی با استفاده از عبارت «اشتباه فاحش معادل تقلب»، عملاً اقداماتی را که صرفاً بی‌احتیاطی یا اطلاع‌دهنده است، ممنوع می‌کند. مسلماً بیشتر آرای شعب مدنی دیوان عالی فرانسه از ضابطه سنتی فوق‌الذکر پیروی می‌کند، اما اغلب کوچکترین بی‌احتیاطی به‌عنوان عمل ایذائی در نظر گرفته می‌شود که حکم به جبران جبران ضرر و زیان را توجیه می‌کند؛<sup>۵</sup> برای مثال طرق اجرای حکم، توقیف طولانی مدت تضمین بدهکار بدون توجیه واقعی یا برای بدهی کم‌اهمیت، سوءاستفاده از حق است.<sup>۶</sup>

ب. به‌صورت صریح: در دوره معاصر، رویه قضایی برای تحقق سوء استفاده از حق، بیشتر به یک تقصیر ساده تحت عنوان «سبب قابل سرزنش»<sup>۷</sup> اکتفا می‌کند؛<sup>۸</sup> شعب مدنی

---

۱Chambre civile (Civ).

۲Chambre criminelle (Crim).

۳Simple faute.

۴Cour de cassation: Chambre des requêtes (Rec), 14 déc. 1903, S. 1905. 1. 223; Rec., 23 janv. 1912, S. 1912. 1. 316; Rec., 21 juin 1926, S. 1926. 1. 294; Chambre criminelle (Crim), 19 déc. 1930, Gaz. Pal, 1931. 1. 103; crim., 18 fév. 1932, motifs, Gaz. Pal., 1932. 1. 629.

۵Mazeaud, Henri; Mazeaud, Léon et Tunc, André, Traité théorique et pratique de la responsabilité civile, (Paris: Montchrestien, 1965), p591.

۶Cour de cassation: Soc., 23 mai 1950, Gaz. Pal., 1950. 2. 133; Civ., 2 fév. 1956, Bull. cass., 1956. II, p. 65; Com. 13 mai 1958, Bull. cass., 1958. III, p. 153; Com., 21 avril 1959, Bull. cass., 1959. III, p. 162; Civ., 28 mars 1960, Gai. Pal., 1960. 2. 13: qui ne relève même plus expressément l'existence d'une faute.

۷Légèreté blâmable.

۸Gérard Cornu, Jean Foyer, Procédure civile, (Paris: PUF, 1996), p75.

دیوان عالی فرانسه برای رفع تمام مسئولیت، به این نکته اشاره می‌کند که حتی یک تقصیر (از هر نوع)، احراز نشده است<sup>۱</sup> و قاضی هرگاه تقصیر عمدی یا غیرعمدی از طرف دعوا را احراز کند، حکم به جبران ضرروزیان را موجه می‌داند. تنها تفاوت جزئی، در نحوه ارزیابی این است که آیا طرف دعوا مقصر بوده است یا خیر و از این نظر، دادگاه‌ها ممکن است در پذیرش وجود طبقه‌بندی سنتی سختگیرانه‌تر عمل کنند<sup>۲</sup>.

در حقوق ایران نیز همانگونه که اشاره شد برخی در مورد کلیت سوء استفاده از حق از معیار تقصیر بهره برده‌اند<sup>۳</sup>. همچنین برخی دیگر درخصوص دعوای واهی موضوع ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی و جبران خسارت ناشی از آن معتقدند از آن‌جا که تقصیر یکی از ارکان مسئولیت مدنی است و همچنین لزوم جلوگیری از دلسرد شدن اشخاص نسبت به تظلم خواهی و احقاق حق، دلالت بر این دارد که هم برای صدور قرار تأمین و هم برای جبران خسارت خوانده ناشی از این دعوا، وجود تقصیر، رکن ضروری است<sup>۴</sup>. با این وجود، با توجه به استدلالاتی که در بند بعد ذکر می‌شود، نمی‌توان ضابطه تقصیر را در مورد سوء استفاده از حق در دادرسی مدنی پذیرفت.

## ۲.۲. حسن نیت

علیرغم اینکه در تعدادی از آراء قضایی فرانسه (به شرحی که گفته شد)، تقصیر ملاک سوء استفاده از حق در دادرسی تلقی شده است، با این وجود، مراجع قضایی فرانسه

---

۱ Cour de cassation, Civ., 1er août 1950, S. 1951. 1. 100.

۲ Henry Solus, Roger Perrot, Droit judiciaire prive. Tome I, (Paris: Sirey, 1961), pp115 -116.

۳ ناصر کاتوزیان، الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۱)، صص ۴۲۷-۴۲۹؛ ناصر کاتوزیان، «سوءاستفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴ (۱۳۵۸)، ۱۱۱ و ۱۱۲؛ همچنین برخی از اصطلاح‌بی‌احتیاطی استفاده کرده‌اند. رک: مهدی شهیدی، «تجاوز از حق»، تحقیقات حقوقی ۴، شماره‌های ۳۳ و ۳۴ (شهریور ۱۳۸۰)، ص ۵۷.

۴ احسان بهرامی و مصطفی السان، «جایگاه تقصیر و سوءنیت در مطالبه خسارات ناشی از دعوای واهی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا»، مجله حقوقی دادگستری ۳، شماره ۱۳۲ (مهر ۱۴۰۲)، صص ۵۹، ۶۰، ۶۹ و ۷۰.

در آراء متعددی در مورد ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی، قاعده سنتی و معروف  
ذیل را معرفی می‌کنند:

**“L'exercice d'une action en justice, de même que la  
défense à une telle action, constitue en principe un  
droit qui ne dégénère en abus pouvant donner lieu à  
dommages et intérêts qu'en cas de malice, mauvaise  
foi ou erreur grossière équipollente au dol.”**

«اعمال حق دادخواهی در دادگستری و نیز دفاع از چنین  
اقدامی، اصولاً حقی را تشکیل می‌دهد که به سوءاستفاده از  
حق منجر به ضرر و زیان تبدیل نمی‌شود، مگر در صورتی که  
این اقدام، ایدائی (بدخواهانه)، ناشی از سوءنیت یا براساس  
اشتباه فاحشی معادل تقلب باشد»<sup>۱</sup>

به این ترتیب، مطابق این قاعده سنتی و قدیمی، «سوءنیت»<sup>۲</sup> «قصد ایذا»<sup>۳</sup> و «اشتباه  
فاحش معادل تقلب»<sup>۴</sup> ملاک تحقق سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی است. در ادامه  
معنای هر یک از این اصلاحات تبیین می‌شود:

الف. سوءنیت (Mauvaise foi)، متضاد حسن نیت (Bonne foi)، است. یکی از  
معانی ذکر شده برای حسن نیت نیز فقدان سوءنیت<sup>۵</sup> است؛ اگر حسن نیت به معنی «درستی

---

<sup>۱</sup>Cour d'appel de Lyon, 3ème chambre A - 19 janvier 2023 - n° 20/00579.

<sup>۲</sup>Mauvaise foi.

<sup>۳</sup>Attitude malicieuse.

<sup>۴</sup>Erreur grossière équipollente au dol.

<sup>۵</sup>Absence de mauvaise volonté.

<sup>۶</sup> Gérard Cornu, Henri Capitant, Vocabulaire juridique, Paris: PUF, 2108),  
p316.

یا صداقت<sup>۱</sup> «راستگویی و وفاداری»<sup>۲</sup> و در مقابل تقلب و تدلیس باشد، به این ترتیب، سوء- نیت به معنای «دروغ، تقلب، تدلیس، عمل غیرمنصفانه و اغفال و خیانت» و همچنین «رفتاری ارادی و غیروفادارانه برای غافل‌گیری دیگری»<sup>۳</sup> می‌باشد. سوءنیت در مواد ۲۲۰، ۴۳۵، ۴۸۸، ۷۳۰-۵، ۸۰۰، ۱۳۰۳-۴، ۱۲۳۱-۶، ۱۳۵۲-۲، ۱۳۵۲-۷، ۱۶۳۵، ۱۸۷۳-۳، ۲۲۵۴ و ۲۲۲۲ قانون مدنی فرانسه منعکس شده است.

در آرای ذیل، براساس سوءنیت، اقدام خواهان در دادرسی مدنی، سوءاستفاده تلقی

شده است:

- اقامه دعوا صرفاً از روی سوءنیت و بدون منفعت مشروع انجام شده است.<sup>۴</sup>
- اقامه دعوایی که بدون دلیل متقن و بیش از بیست و پنج سال پس از واقعه انجام شده است.<sup>۵</sup>
- خوانده برای دومین بار در یک سال به دلایل مشابه احضار شد و این موضوع تمایل خواهان به اخلال در فعالیت رقیب را آشکار کرد.<sup>۶</sup>
- ماهیت آشکارا بی‌اساس دعوی اقامه شده، قصد اضرار را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

---

۱ Jean Ray, Index du code civil, thèse complémentaire pour le Doctorat et lettres, (Paris: Alcan, 1926), p46.

به نقل از: علی انصاری، تئوری حسن‌نیت در قراردادهای مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و نظام‌های حقوقی معاصر، (تهران: جنگل جاودانه، ۱۳۸۸)، ص ۷۱.

۲ Gérard Cornu, Henri Capitant, Ibid, p316.

۳ <https://www.dictionnaire-juridique.com/definition/mauvaise-faith.php>

۴ Cour de cassation, Com. 26 mai 1956, Bull. Civ. III, n° 153: action intentée par pure malignité et ne reposant sur aucun intérêt légitime.

۵ Cour de cassation, Civ. 2e, 16 févr. 1984, n° 82-12.399, Bull; Civ. II, n° 30: "Action intentée sans raison sérieuse plus de vingt-cinq ans après les faits!"

۶ Cour d'appel de Paris, 2 déc. 1998, PIBD 1999. III. 96: "Défendeur assigné pour la deuxième fois en un an pour des motifs similaires, révélant la volonté du demandeur de perturber l'activité d'un concurrent."

- اقامه دعوا که صرفاً به منظور متوقف ساختن رقیب صورت می‌پذیرد،

خواهان به‌خوبی می‌داند که محکوم به شکست است.<sup>۲</sup>

ب. ایذا (Malice) مترادف «شرارت»، «بی‌ادبی» و به معنای «روح شریر که دوست دارد به دیگران آسیب برساند» می‌باشد.<sup>۳</sup> برای مثال دیوان عالی فرانسه انتساب‌های مضر به آبرو را اقدام ایذائی محض و با هدف ارباب دانسته است.<sup>۴</sup> در حقوق انگلستان نیز، اقامه دعوی ایذائی با عنوان Prosecution Civil Malicious غیرمجاز شناخته شده است.<sup>۵</sup> در تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی ایران نیز، از اصطلاح ایذاء استفاده شده است.

ج. در خصوص اشتباه فاحش معادل تقلب نیز:

• منظور از اشتباه (Erreur) تصور باطلی است که شخص نسبت به

امور یا اشیاء دارد، مثل اشتباه در عقد، نسبت به نوع معامله و موضوع

معامله و وصف شیئی موضوع معامله و طرف معامله.<sup>۶</sup> به این ترتیب، اشتباه،

یک سوء تفاهم است.<sup>۷</sup> فاحش (Grossière) نیز معادل Lourde می‌باشد

---

۱ The Tribunal judiciaire de Paris (TGI Paris), 30 mars 2007, D. 2007. 2370, n° 74: "Le caractère manifestement mal fondé de l'action engagée révèle une intention de nuire constitutive d'une faute".

۲ Cour d'appel d'Agen, 11 juin 2014, n° 12/00812, AJCA 2014. 342. obs. M. Ponsard: action uniquement destinée à gêner un concurrent, le demandeur sachant pertinemment qu'elle était vouée à l'échec.

۳ <https://www.linternaute.fr/dictionnaire/fr/definition/malice/>

۴ Cour de cassation, Civ. 2e, 8 janv. 1959, Bull. Civ. I, n° 38: Imputations attentatoires à l'honneur, action par pure malice et dans un but d'intimidation.

۵ John Wade, On Frivolous Litigation: A Study of Tort Liability and Procedural Sanctions. Hofstra Law Review.3 (1968),p448.

۶ حسینقلی کاتبی، فرهنگ حقوق فرانسه - فارسی، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۳)، ص ۱۲۸.

Gérard Cornu, Henri Capitant, Ibid, p889.

۷ <https://www.dictionnaire-juridique.com/definition/erreur.php>.



که گاهی به عمد نیز ترجمه شده است و آن تخطی‌ای است که انسان ضعیف‌العقل و فاقد مهارت کافی هم، این چنین تخطی را مرتکب نشود.<sup>۱</sup>

• منظور از تقلب (Dol)، «تدلیس»، «خدعه» و «اقداماتی که موجب فریب و گمراهی طرف معامله می‌شود و حق فسخ می‌آورد» است.<sup>۲</sup>

همچنین به معنای «کسب رضایت شخص دیگری به واسطه اقدامات گمراه‌کننده به گونه‌ای که در صورت فقدان این اقدامات، رضایت شخص حاصل نمی‌شد» و «ایراد خسارت عمدی به دیگری» نیز می‌باشد.<sup>۳</sup> در مواد ۱۱۶، ۱۲۵۵، ۱۳۵۳، ۱۹۶۷ قانون مدنی فرانسه و ۵۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه و نیز مواد ۳-۱۲۱ L، ۸-۱۱۳ L قانون بیمه فرانسه، از این اصطلاح استفاده شده است.<sup>۴</sup>

در آرای ذیل به جهت رفتار نزدیک به تقلب یا خطای فاحش، عمل، سوءاستفاده از حق تلقی شده است:

- «تقصیر فاحش» عبارت است از طرح دعوایی برای پرداخت که بدون دلیلی مبنی بر واریز نشدن مبلغی انجام شده باشد.<sup>۵</sup>
- تقصیر منجر به اصرار یک طرف در زیرسوال بردن اصولی که قبلاً توسط یک تصمیم موقتی که دارای صلاحیت قضایی است پذیرفته شده است.<sup>۱</sup>

---

۱. مازو، به نقل از: محمدجعفر جعفری لنگرودی، «دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت / حقوق تعهدات عقود و ایقاعات»، ج ۱، (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸)، ص ۸۸۷.

۲. حسینقلی کاتبی، پیشین، ص ۱۵۸.

۳. Gérard Cornu, Henri Capitant, Ibid, p796.

۴. <https://www.dictionnaire-juridique.com/definition/dol.php>

۵. Cour de cassation, Civ. 1re, 22 juin 1965, Bull. Civ. I, n° 413: «Faute caractérisée » Consistant dans une action en paiement ne reposant sur aucune preuve d'une somme qui n'était manifestement pas due.

- طرح دعوی مطالبه وجه، درحالی که خواهان آن را قبل از واگذاری دریافت کرده بود.<sup>۲</sup>

- درخواست تقابل سوءاستفاده آمیز با هدف بی اعتبار کردن شرکت های خوانده، حتی تحت فشار قراردادن آن ها جهت تلاش برای رسیدن به یک توافق سودمند.<sup>۳</sup>

درمقام ارزیابی و جمع بندی اصطلاحات فوق می توان گفت: اصطلاحات به کار رفته (سوءنیت، ایذا و اشتباه فاحش معادل تقلب) در قاعده قدیمی فوق، حاکی از آن است که سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی مبتنی بر ضابطه سوءنیت است، چراکه از یک سو در یکی از آثار حقوقی فرانسه در تعریف حسن نیت به این عناصر اشاره شده است؛<sup>۴</sup> از سوی دیگر، اولاً از سه اصطلاح سوءنیت، ایذا و خطای فاحش معادل تقلب، دو مورد اول که به صورت مستقیم مرتبط با انگیزه شخص است و مورد آخر (خطای فاحش معادل تقلب) نیز خطای شخص آن چنان عمده و فاحش است که از آن می توان سوءنیت فرد را برداشت نمود.

به نظر می رسد، در دادرسی مدنی ایران نیز ضابطه سوءاستفاده از حق، مرتبط با انگیزه اعمال کننده حق باشد؛ به این ترتیب، ضابطه تقصیر و غایت اجتماعی در دادرسی مدنی رد می شود چراکه این ضوابط، عمل گرا و نتیجه گرا هستند، اما ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران محدود به قصد اضرار نیست و با این ضابطه نیز متفاوت است، برای

---

<sup>۱</sup> Cour de cassation, Soc. 19 oct. 1966, Bull. Civ. IV, n° 787: Faute résultant pour une partie dans la persistance à remettre en question des principes déjà admis par une décision avant dire droit revêtue de l'autorité de la chose jugée.

<sup>۲</sup> Cour de cassation, Civ. 2e, 7 juill. 2005, n° 03-17.889: Action en paiement, alors que le demandeur avait déjà reçu celui-ci avant d'assigner.

<sup>۳</sup> Cour d'appel Paris, 14 mars 2007, PIBD 2007. III. 401: Demande reconventionnelle abusive destinée «à discréditer les sociétés défenderesses, voire à faire pression sur elles pour tenter de parvenir à un arrangement avantageux».

<sup>۴</sup> Gérard Cornu, Henri Capitant, Ibid, p316.

اثبات این موضوع و مشخص شدن ضابطه سوءاستفاده از حق، می‌توان به میانی ذیل استناد نمود:

۱. ملاک تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی، حاکی از آن است که سوءاستفاده از حق در مواردی تحقق می‌یابد که اعمال حق به‌انگیزه غیرقانونی صورت پذیرد. در تبصره ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی، مقرر شده: «چنانچه بر دادگاه محرز شود که منظور از اقامه دعوا، تأخیر در انجام تعهد یا ایذای طرف یا غرض‌ورزی بوده، دادگاه مکلف است، در ضمن صدور حکم یا قرار، خواهان را به تأدیه سه برابر هزینه دادرسی محکوم نماید». در این تبصره، بدون اشاره به اصطلاح سوءاستفاده از حق، اقامه دعوا به انگیزه‌های «تأخیر در انجام تعهد»، «ایذای طرف» یا «غرض‌ورزی» را مستوجب جریمه مدنی دانسته است.

کلمه «منظور» و نیز اصطلاحات «تأخیر در انجام تعهد»، «ایذا» و «غرض‌ورزی» جملگی در «انگیزه» اشتراک و بر آن تأکید دارند. از سه مورد اخیر، معنای «تأخیر» روشن است. «ایذاء» به معنای «آزردن، آزار دادن، اذیت کردن، رنج دادن»<sup>۱</sup> و «عذاب، زحمت، جور و ستم، جفا، تصدیع، محنت»<sup>۲</sup> به کار رفته است. همچنین «غرض‌ورزی» نیز «کسی است که غرض ورزد»<sup>۳</sup> و غرض نیز به معنای «آرزومند شدن، مقصود، خواست، قصد شخصی به زیان دیگری»<sup>۴</sup>؛ «قصد، خواسته، منظور، به‌ستوه آمدن، دلتنگ و ملول شدن، هدف، نشانه»<sup>۵</sup> به کار رفته است. با مقایسه معنای دو اصطلاح فوق، می‌توان گفت که: در ایذا قصد اذیت و رنج وجود دارد، اما غرض معنای عام‌تری دارد و شامل انگیزه‌های شخصی می‌شود. این تفکیک از کلام یکی از حقوق‌دانان نیز قابل استنباط است. در کتاب ایشان، ایذا به معنای لغوی آن

۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۲، (تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۸۳)، ص ۲۴۰۱؛ علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳، (تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷)، ص ۳۶۸۸.

۲. همان، ص ۳۶۸۸.

۳. علی‌اکبر دهخدا، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۶۶۵۳.

۴. محمد معین، پیشین، ج ۱، ص ۴۱۴.

۵. علی‌اکبر دهخدا، پیشین، ص ۱۶۶۵۱.

یعنی «آزردن، آزار رساندن»<sup>۱</sup> به کار رفته است. به اعتقاد ایشان، غرض نیز معادل Motive و به معنای علت غایی است و علت غایی نیز به معنای اندیشه‌ای است که فعل یا ترک فعل برای تحقق بخشیدن آن صورت می‌گیرد و آن جنبه ذهنی دارد، نه مادی و خارجی. علت غایی همیشه جنبه «شخصی و جزئی» دارد، مثلاً یکی کتاب می‌خواند که سوادش زاید شود و یکی می‌خواند که رد بر آن بنویسد. به این ترتیب در دادرسی مدنی، اعمال حق به انگیزه-های شخصی یعنی انگیزه و هدف دیگری جز هدف اصلی‌ای که آن حق برای آن اعطا شده است، غرض‌ورزی خواهد بود. حقوق اعطا شده به اشخاص در دادرسی مدنی به منظور فراهم نمودن فرصت احقاق حق است، از این رو استفاده از این حق به انگیزه اهداف دیگری جز این، غرض‌ورزی خواهد بود.

۲. در برخی آثار حقوقی بدون ارائه تفصیل فوق بر ضرورت انگیزه دادخواهی تأکید و گفته شده است: «انگیزه خواهان از اقامه دعوا الزاماً باید احقاق حق مورد ادعایش باشد. همچنان که نباید از حق دادخواهی و اقامه دعوا که قانون‌گذار به عنوان یکی از حقوق اساسی و وسیله‌ای قانونی برای احقاق حق و جبران حقوق از دست رفته یا در معرض خطر، در اختیار مردم نهاده، سوءاستفاده کرده و آن را برای اهداف ناصواب و مقاصد غیرقانونی خویش به کار بندد».<sup>۴</sup> همچنین یکی دیگر از دادرسی‌دانان بر ضرورت پرهیز از انگیزه‌های شخصی و این که دادگاه اسیر امیال و خواسته‌های اصحاب دعاوی نشود و انصاف و کارایی دادگستری در کنار هم به پیش بروند، تأکید نموده است.<sup>۵</sup>

۱. محمدجعفر جعفری لنگرودی، پیشین، ج ۱، ص ۷۵۷.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۷۲۳.

۳. همان، ص ۲۶۱۷.

۴. فریدون نهرینی، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۸)، ص ۲۹۹؛ همچنین ر.ک به: علی‌اکبر یلفانی، شرح و تفسیر قوانین دادرسی مدنی، ج ۱، (تهران: سپهر، ۱۳۸۰)، ص ۱۶۱.

۵. حسن محسنی، اداره جریان دادرسی مدنی برپایه همکاری و درچارچوب اصول دادرسی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹)، ص ۱۴۶.

۳. در ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، مقرر شده است: «خواننده نیز می‌تواند خسارتی را که عمداً از طرف خواهان با علم به غیرمحقق بودن در دادرسی به او وارد شده از خواهان مطالبه نماید». طبق این ماده، اعمال حق دادخواهی خواهان، زمانی موجب مسئولیت است که خواهان، با انگیزه‌ای غیر از دادخواهی، اقامه دعوا نموده باشد. در این ماده قصد اضرار به کار برده نشده است، بلکه «علم به غیرمحقق بودن» برای مسئولیت، کافی تلقی شده است.

۴. مواد ۱۳۳ قانون آیین دادرسی مدنی «منظور تبانی و تأخیر» و ماده ۱۳۹ همان قانون «منظور تأخیر» را ملاک قرار داده است، این اصطلاحات اولاً بر قصد و انگیزه شخص تأکید دارد؛ ثانیاً این انگیزه منحصر به قصد اضرار نیست.

۵. تمایز و تفکیک بین حق دادخواهی و حق اصلی نیز موید ضابطه پیش گفته است؛ چراکه ممکن است حق اقامه دعوا وجود داشته، بدون آن که حق اصلی (خواسته اصلی دعوا) وجود داشته باشد و از این رو، صرف این که خواهان در دعوای خود شکست می‌خورد یا این-که خواننده محکوم شود، الزاماً موجب سوءاستفاده از حق تلقی کردن اقدام آن‌ها نمی‌شود.

۶. گفته شده، ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی مبتنی بر مبانی‌ای از جمله «نظم عمومی»، «اخلاق» و «هدف دادرسی» است؛ این مبانی حاکی از آن است که ضابطه سوءاستفاده از حق، انگیزه غیردادخواهانه و خلاف قانون شخص می‌باشد؛ زیرا:

- نظم عمومی قضایی حکم می‌کند که «قواعد دادرسی و صلاحیت محاکم ناظر به حسن جریان دعوی و انجام وظایف دولت در اجرای عدالت است و به همین جهت، بستگی کامل به نظم عمومی دارد. حق اقامه دعوی نیز از تجاوز افراد به هم، انتقام‌جویی و کینه‌توزی‌های خصوصی می‌کاهد ... اصول آیین دادرسی نیز ضامن حسن جریان دعوی و فصل خصومت است و قراردادهای خصوصی در برابر آن

---

۱. ناصر کاتوزیان، اعتبار امر قضاوت شده در دعوای مدنی، (تهران: میزان، ۱۳۸۳)، ص ۱۱۸؛ ژرارد کوشه؛ جان لانگلد و دانیل ولبو، آیین دادرسی مدنی فرانسه، ترجمه‌ی سیداحمدعلی هاشمی، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۱)، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.  
۲ محمد بافهم، عزیزاله فهیمی، مهدی حسن‌زاده، پیشین، صص ۱۵۷-۱۳۳.

ارزش ندارد»؛ به این ترتیب، نظم عمومی قضایی اقتضا دارد قوانین دادرسی در راستای هدف آن که همانا اجرای عدالت و احقاق حق است به کار برده شود و با بهره‌گیری از قانون به‌انگیزه‌هایی غیر از این هدف، برخورد شود.

- در خصوص نقش اخلاق نیز، نادیده گرفتن هر یک از ارزش‌های اخلاقی به معنای ایجاد خلل در روند عدالت است؛ به این ترتیب، سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی، مغایر با اجرای عدالت و اصول اخلاقی است. اخلاق نیز شخصی را که تصور می‌کند در مقام احقاق حق است، مستحق برخورد نمی‌داند.
- هدف و غایت مطلوب دادرسی حقگزاری و رسیدن به حقیقت است،<sup>۳</sup> به این ترتیب، «احقاق حق و اجرای عدالت ... هدف اصلی ... دادرسی است»؛<sup>۴</sup> در نتیجه اعمال حق با هدفی غیر از احقاق حق، ممنوع است.

۶. در پاسخ به احتمال ذکر شده در بند پیشین مبنی بر اینکه «با قیاس دعوای واهی، در مورد سوء استفاده از حق نیز ضابطه سوء استفاده از حق، تقصیر است»، می‌توان گفت صرف نظر از اینکه از منظر نگارندگان پژوهش حاضر به خصوص با وجود ماده ۵۱۵، در مورد پذیرش تقصیر به عنوان رکن خسارت ناشی از دعوای واهی، تردید وجود دارد، حتی با چشم‌پوشی از این موضوع، باید گفت قیاس این دو (دعوای واهی و سوء استفاده از حق) مع الفارق است؛ چراکه همانطور که گفته شده در حقوق ایران سوء استفاده از دادرسی ملازمه حتمی با واهی بودن دعوا ندارد.<sup>۵</sup> دعوایی واهی است که یا جنبه موضوعی دعوا قابلیت تحقق نداشته باشد (و در فرض قابلیت تحقق، احتمال قوی بر عدم تحقق آن وجود داشته

۱. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، (تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۴)، صص ۱۶۹، ۱۷۰ و ۱۷۳.

۲. مهرزاد ابدالی، فلسفه حقوق و نظریه های حقوقی، (تهران: مجد، ۱۳۸۸)، ص ۱۱۱.

۳. ناصر کاتوزیان، اثبات و دلیل اثبات، ج ۱، (تهران: میزان، ۱۳۸۸)، ص ۴۶.

۴. قدرت‌الله واحدی، بایسته‌های آیین دادرسی مدنی، (تهران: میزان، ۱۳۸۲)، ص ۲۱.

۵. احسان بهرامی و مصطفی‌السان، «جایگاه تقصیر و سوءنیت در مطالبه خسارات ناشی از دعوای واهی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا»، ص ۵۷.

باشد؛ یا دعوا بدون دلیل باشد (یا احتمال قوی مبنی بر عدم اثبات جنبه موضوعی دعوا داشته باشد)؛ یا جنبه موضوعی دعوا فاقد اثر قانونی باشد. درحالیکه دعوای همراه با سوء استفاده از حق، به انگیزه‌ی خواهان بازمی‌گردد. ممکن است، خواهان یا شکایت‌کننده از رأیی، واقعاً ذی‌حق نیست یا دلیل ندارد و از این‌رو دعوا یا شکایت از رأی، واهی باشد و بدون داشتن حقی صرفاً تصور می‌کند که ذی‌حق است یا تصور می‌نماید که دلیل دارد یا بعداً با انجام تحقیقات قضایی، دلیل تحصیل خواهد شد، اما انگیزه‌ی فرد از اقامه دعوا رسیدن به حقی است که به اشتباه، تصور وجود آن را داشته است؛ چنین دعوایی علی‌رغم این که واهی بوده، به لحاظ این که به قصد دادخواهی اقامه شده، سوء استفاده از حق نیست. از سوی دیگر اگرچه معمولاً در دعوای همراه با سوء استفاده، خواهان در اصل موضوع دعوا ذی‌حق نیست و نسبت به ذی‌حق نبودن خود، واقف و آگاه است اما ممکن است خواهان واقعاً در ماهیت موضوع، حق داشته باشد و از این‌رو دعوای وی واهی نباشد اما رسیدن به آن حق برای او اهمیت نداشته باشد بلکه هدف و انگیزه او از طرح دعوا، ضرر به دیگری باشد؛ گرچه در چنین موردی، خواهان واقعاً از خواننده طلبکار است و از این‌رو واجد حق است اما چون هدف وی از اقامه دعوا، احقاق حق نیست، انگیزه او بر این عمل، سایه می‌افکند و باعث می‌شود که این عمل، سوء استفاده از حق و عمل ممنوعی تلقی گردد، بدون این که دعوای وی واهی باشد. متن ماده ۱۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی و تبصره‌ی آن، مبتنی بر همین تفکیک است؛ چرا که موضوع این ماده با موضوع تبصره آن یکسان نیست؛ به این- صورت که متن ماده در مقام تعیین ضمانت اجرا برای جلوگیری از طرح دعوای واهی است اما تبصره آن، در مقام تعیین ضمانت اجرا برای جلوگیری از سوء استفاده از حق است. با توجه

---

۱. احسان بهرامی و مصطفی‌السان، «ضوابط شناسایی دعوای واهی در حقوق ایران و انگلیس؛ مقدمه‌ای جهت صدور قرار تأمین و رد دعوا»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی ۲، شماره ۱۱۶ (تابستان ۱۴۰۱)، ص ۴۸.

۲. محمد بافهم؛ عزیزاله فهیمی و مهدی حسن‌زاده، «سوء استفاده از حق اقامه دعوا و حق شکایت از آراء در حقوق فرانسه و ایران»، دوفصلنامه حقوق تطبیقی ۱، شماره ۱۹ (بهار و تابستان ۱۴۰۲)، ص ۳۸.

به تفاوت این دو، نمی‌توان آن‌چه در مورد دعوای واهی بیان شده است، به سوء استفاده از حق تسری داد.

باتوجه به ادله فوق، باید گفت، ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران، انگیزه نامشروع خواهان است، البته این انگیزه مانند نظریه سوءنیت یا قصد اضرار، محدود به قصد ایذا یا اضرار نیست، بلکه همانگونه که برخی اعلام کرده‌اند اقدامات در دادرسی نباید برای اهداف ناصواب و مقاصد غیرقانونی باشد، همین که انگیزه اقدام در دادرسی از سوی خواهان، احقاق حق و از سوی خوانده، اعمال حقوق دفاعی نباشد، (همانند قصد تأخیر، تبانی حتی با طرف دیگر دعوای)، سوءاستفاده از حق تحقق می‌یابد.

منحصر نبودن سوءاستفاده از حق به قصد اضرار بلکه کفایت صرف این که شخص قصد دادخواهی ندارد، موجب توسعه دایره شمول سوءاستفاده از حق می‌گردد؛ برای مثال چنانچه ضابطه سوءاستفاده از حق، قصد اضرار باشد شامل موارد ذیل نمی‌شود اما ضابطه ارائه شده شامل این موارد نیز می‌گردد:

الف. مصداق اول مواردی است که خواهان نه قصد ایذاء دارد و نه قصد دارد که در تعهدات خود ایجاد اطاله کند، بلکه می‌خواهد از طریق اقامه دعوا منافع نامشروعی برای خود یا دیگری کسب نماید: برای نمونه، زوجین برای معافیت فرزند خود از خدمت وظیفه عمومی یا دریافت وام یا تسهیلاتی چون مسکن، دعوای صوری طلاق توافقی را مطرح می‌کنند. مثال دیگر موردی است که در بخشنامه شماره ۴۱۹۱۱/۱ - ۲۴/۸/۱۳۶۲ رئیس وقت قوه قضائیه منعکس شده است: «به طوری که از وزارت مسکن و شهرسازی اطلاع می‌دهند برخی از دادگاه‌ها در اجرای تبصره ذیل ماده ۶ قانون اراضی شهری ناظر به سه تبصره الحاقی به ماده ۱۰ آیین نامه اجرای قانون لغو مالکیت اراضی موات شهری در مورد واگذاری اراضی با اسناد عادی و قولنامه به صرف اقرار طرفین، به تأیید معامله یا صحت



قولنامه رأی می‌دهند؛ حال آن که منظور از ارجاع امر به دادگاه رسیدگی به صحت یا سقم معامله بوده تا از اجرای مفاد اسناد عادی صوری جلوگیری شود؛ بنابراین لازم است دادگاه‌ها قبل از هر نوع تصمیمی تحقیقاتی را که برای کشف واقع ضرورت دارد انجام دهند تا از تأیید اسناد صوری و امور غیرواقعی جلوگیری شود...<sup>۱</sup>».

ب. مورد دوم نیز جایی است که یک طرف قصد ایذای طرف دیگر دعوا را ندارد بلکه هر دو طرف دعوا با یکدیگر تبانی نموده‌اند تا با دعوایی صوری، حقوق شخص دیگر را که طرف دعوا قرار نگرفته است تزییع کنند. برای مثال، مالک زمین، در خارج از کشور است و دو طرف زمین‌خوار علیه یکدیگر دعوای تصرف عدوانی مطرح می‌کنند تا یکی از آن‌ها محکوم شود. محکوم‌له، حکم رفع تصرف را قرینه‌ای برای سابقه تصرف خود محسوب و از آن سوءاستفاده می‌کند؛ برای مثال رأی دادگاه را در مقابل مشتریان زمین، مستمسکی برای مشروعیت و سبق تصرفات خود تلقی کرده یا این که با ارائه به اداره ثبت آن‌را قرینه بر مشروعیت تصرفات خود محسوب کند. نمونه دیگر این دعوای در اعتراض ثالث اجرایی ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی دیده می‌شود: محکوم‌علیه، شخص ثالث را تحریک می‌کند که خود را مالک مال توقیف شده اعلام نماید و به توقیف اعتراض کند.

### ۳.۲. جمع‌بندی حقوق فرانسه؛ نظریه ترکیبی

همانگونه که بیان شد، در آراء دیوانعالی فرانسه درخصوص سوء استفاده از حق، از ضوابط مختلفی پیروی شده است. برخی حقوق‌دانان فرانسه، از ضابطه تقصیر و حسن‌نیت عدول کرده و معتقدند که نمی‌توان از ضابطه واحدی پیروی نمود و در این ارزیابی، عوامل زیادی در نظر گرفته شده به‌همین جهت جای تعجب ندارد که برای تحقق سوءاستفاده از

---

۱. حمیدرضا حاجی‌زاده، مصوبات و تصمیمات قوه قضاییه و شورای عالی ثبت، (تهران: ققنوس، ۱۳۸۴)، ص ۸۴۵.

حق، در یک مورد سوءنیت لازم دانسته شده است و در مورد دیگر، به سهل‌انگاری<sup>۱</sup> بسنده می‌شود.<sup>۲</sup> در ادامه به برخی از این عوامل اشاره می‌شود:

الف. از یک جهت برحسب این که سوءاستفاده از چه حقی صورت می‌پذیرد، ملاک متفاوتی جهت سوءاستفاده از حق، معرفی شده است؛ برای نمونه ضابطه سوءاستفاده در اقامه دعوا یا دفاعیه یا شکایت از رأی یا اقدام اجرای رأی با یکدیگر متفاوت است.<sup>۳</sup> بر همین اساس گفته شده، دیوان عالی فرانسه، سوءاستفاده از حق، در مورد درخواست را با سهولت بیشتری نسبت به سوءاستفاده از دفاع احراز می‌نماید؛ زیرا احتیاط بیشتری از طرف خواهان که دعوا را مطرح می‌کند نسبت به کسی که صرفاً در برابر یک دعوا دفاع می‌کند لازم است.<sup>۴</sup>

ب. همچنین قاضی در ارزیابی مسئولیت، باید میزان خسارتی را که اقدام خواهان می‌تواند برای خوانده ایجاد کند، در نظر بگیرد. بدون شک نباید ضرر، با تقصیر خلط شود، اما «هر کسی که از یک راهکار قانونی که احتمال دارد این اقدام به آبرو یا یکی از منافع اساسی طرف مقابل خود آسیب برساند، استفاده کند، لازم است که احتیاط ویژه‌ای داشته باشد.<sup>۵</sup>

باتوجه به وجود جنبه‌های مختلف موضوع، دیوان عالی فرانسه صرف رد دعوا یا ورود خسارت<sup>۱</sup> را الزاماً موجب تحقق سوء استفاده از حق ندانسته بلکه برای احراز سوء

---

<sup>۱</sup> Négligence

<sup>۲</sup> Loïc Cadiet, Philippe leTourneau, *Ibid*, n° 128, 129 et 146

<sup>۳</sup> Loïc Cadiet, Philippe leTourneau, *Ibid*, n° 128.

<sup>۴</sup> Loïc Cadiet, Philippe leTourneau, *Ibid*, n° 151.

<sup>۵</sup> Henri et Léon Mazeaud, André Tunc, *Ibid*, 591; Loïc Cadiet, Philippe leTourneau, *Ibid*, n° 147.

<sup>۵</sup> Loïc Cadiet, Philippe, *Ibid*, n° 147.

<sup>ε</sup> Cour de cassation, 2e, 24 juin 1987, n° 84-15.173, Bull. Civ. II, n° 137. – Civ. 1re, 10 juill. 2014, n° 13-21.049: « motifs impropres à caractériser une faute de X... de nature à révéler un abus de droit dans l'exercice d'une voie de recours.

استفاده از حق، وجود شرایط خاص را لازم دانسته و تصریح کرده تعیین این شرایط به عهده قضات است.<sup>۲</sup>

### نتیجه و پیشنهاد

علیرغم این که در قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه به صورت صریح، ممنوعیت سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی پیشبینی شده است، اما در این قانون، معیار و ضابطه‌ای از سوءاستفاده از حق، بیان نگردیده است. در آرای مراجع قضایی فرانسه تأکید شده صرف «ورود خسارت» یا «رد درخواست» الزاماً موجب تحقق سوء استفاده از حق نیست، از سوی دیگر، صرف «صدور حکم به نفع شخصی» الزاماً مانع از تحقق سوءاستفاده از حق نیست. تحلیل آرای قضایی به خصوص دیوان عالی فرانسه، حاکی از آن است که قاعده‌ای سنتی و قدیمی، اعمال حق با «سوءنیت»، «ایذا» و «خطای فاحش معادل تقلب» را ضابطه سوءاستفاده از حق می‌داند که هر سه ضابطه فوق، تحت عنوان «حسن نیت» قابل جمع است. با این حال، تحلیل آرای دیگری از دیوان عالی فرانسه حاکی از آن است که این مرجع، به قاعده معروف و سنتی فوق در همه موارد وفادار نبوده و در موارد متعددی به ضابطه تقصیر تمایل دارد؛ به جهت همین تفاوت آراء، حقوق دانان فرانسه معتقدند سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی از معیار واحدی پیروی نمی‌کند، بلکه ضابطه سوءاستفاده از حق بر اساس «تعهدات اصحاب دعوا»، «میزان اهتمام لازم توسط آن‌ها (با توجه به شرایط)»، «میزان خسارت»، «روش‌های مورد استفاده» و «نوع حق مورد سوء استفاده»، بین دو ضابطه حسن نیت و تقصیر، متغیر است.

---

د Cour de cassation, Soc. 1er déc. 1950, Bull. Civ. III, n° 910. – Com. 11 févr. 1963, Bull. Civ. III, n° 92. Civ. 2e, 8 oct. 1970, D. 1971. Somm. 31

ر Cour de cassation, Civ. 1re, 20 mars 2013, n° 11-27.285, Bull. Civ. I, n° 42: Circonstances particulières spécifiées, en l'occurrence une «véritable machination» développée par l'arrêt. Cour de cassation, Civ. 2e, 5 févr. 2015, n° 14-11.169

در حقوق ایران، با توجه به تبصره ماده ۱۰۹ و مواد ۱۳۳، ۱۳۹ و ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی و لحاظ تمایز حق دادخواهی با حق اصلی، همچنین توجه به مبانی سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی (هدف دادرسی، نظم عمومی، نقش اخلاق) می‌توان دریافت که ضابطه سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران، استفاده از حق به انگیزه‌ای غیر از دادخواهی و دفاع، می‌باشد. این معیار، با هیچ‌یک از ضوابط سه‌گانه فوق به‌صورت کامل مطابقت ندارد؛ چراکه در ضابطه قصد اضرار، اعمال حق به‌قصد اضرار است و شامل سایر انگیزه‌ها از جمله مواردی که هر دو طرف دعوا بایکدیگر تبنانی دارند، نمی‌گردد؛ از سوی دیگر، تفاوت آن با ضابطه غایت اجتماعی حق، آن است که در غایت اجتماعی حق، فقط انگیزه ملاک نیست، بلکه حتی اگر استفاده‌کننده از حق، به این موضوع که عمل وی خارج از غایت اجتماعی از حق است، آگاه نباشد، بازهم عمل وی سوءاستفاده تلقی می‌گردد، درواقع معیار غایت اجتماعی حق، معیاری عینی و نتیجه‌گرا است نه ذهنی؛ حال آن‌که معیاری که در دادرسی مدنی بیان شد، ذهنی است به‌این معنا که انگیزه شخص بایستی صرفاً احقاق حق یا دفاع باشد.

اگرچه قانون ایران بدون تصریح سوء استفاده از حق، مصادیقی از آن را بیان کرده است، اما از این جهت که این مصادیق در مواد پراکنده، ذکر شده و ممکن است از آن برداشت مختلفی ارائه گردد، برای رفع هرگونه شبهه و به‌لحاظ اهمیت موضوع، پیشنهاد می‌گردد ازسوی قانون‌گذار ایران در مواد ابتدایی قانون دادرسی مدنی (که ضرورت دارد در آن اصول حقوقی و دادرسی بیان شود)، در قالب یک ماده، حق دادخواهی خواهان و خواننده (در درخواست، دفاع و...) تعریف گردد و حدود و صغور آن بیان شود و ذیل آن، ضابطه‌ای روشن و واضح از سوء استفاده از حق ارائه گردد.

## منابع و ماخذ

### الف فارسی

1. ابدالی، مهرزاد، فلسفه حقوق و نظریه های حقوقی، (تهران: مجد، ۱۳۸۸).
2. انصاری، علی، *تئوری حسن نیت در قراردادهای مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و نظام های حقوقی معاصر*، (تهران: جنگل جاودانه، ۱۳۸۸).
3. بافهم، محمد؛ فهیمی، عزیزاله و حسن زاده، مهدی، «سوءاستفاده از حق در دادرسی مدنی ایران و فرانسه»، *فصلنامه پژوهش های حقوق تطبیقی*، شماره اول (تیر ۱۴۰۲)، ۱۵۷-۱۳۳.
4. بافهم، محمد؛ فهیمی، عزیزاله و حسن زاده، مهدی، «سوءاستفاده از حق اقامه دعوا و حق شکایت از آراء در حقوق فرانسه و ایران»، *دوفصلنامه حقوق تطبیقی*، شماره ۱۹ (بهار و تابستان ۱۴۰۲).
5. بهرامی، احسان و السان، مصطفی، «جایگاه تقصیر و سوءنیت در مطالبه خسارات ناشی از دعوی واهی؛ مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۱۳۲ (پاییز ۱۴۰۲)، ۷۴-۴۹.
6. بهرامی، احسان و السان، مصطفی، «ضوابط شناسایی دعوی واهی در حقوق ایران و انگلیس؛ مقدمه ای جهت صدور قرار تأمین و رد دعوا»، *پژوهش های حقوق تطبیقی*، شماره ۱۱۶ (تابستان ۱۴۰۱)، ۵۲-۲۹.
7. بهرامی/حمیدی، حمید، *سوءاستفاده از حق، مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام و دیگر نظام های حقوقی*، (تهران: موسسه اطلاعات، ۱۳۷۷).
8. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی*، ج ۱، ۳ و ۴، (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۸).
9. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *دائرة المعارف حقوق مدنی و تجارت/ حقوق تعهدات عقود و ایقاعات*، ج ۱، (تهران: گنج دانش، ۱۳۸۸).

۱۰. حاجی‌زاده، حمیدرضا، مصوبات و تصمیمات قوه قضاییه و شورای عالی ثبت، (تهران: ققنوس، ۱۳۸۴).
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳ و ۱۱، (تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷).
۱۲. ریپر، ژرژ، قاعده اخلاقی در تعهدات مدنی، ترجمه‌ی حسنعلی درودیان، بر منہج عدل. (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۳).
۱۳. شهیدی، مهدی، «تجاوز از حق»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۳۳ و ۳۴ (۱۳۸۰)، صص ۳۱-۶۳.
۱۴. کاتبی، حسینقلی، فرهنگ حقوق فرانسه- فارسی، (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۳).
۱۵. کاتوزیان، ناصر، «سوءاستفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق» مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴ (۱۳۵۸)، صص ۱۱۵-۱۰۳.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها. ج ۱، (تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۷۴).
۱۷. کاتوزیان، ناصر، اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی، (تهران: میزان، ۱۳۸۳).
۱۸. کاتوزیان، ناصر، اثبات و دلیل اثبات، ج ۱، (تهران: میزان، ۱۳۸۸).
۱۹. کاتوزیان، ناصر، الزام‌های خارج از قرارداد، ج ۱، (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۹۱).
۲۰. کوشه، ژرژ؛ لانگلد، جان و ولبو، دانیل، آیین دادرسی مدنی فرانسه، ترجمه‌ی سیداحمدعلی هاشمی، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۹۱).
۲۱. محسنی، حسن، اداره جریان دادرسی مدنی برپایه همکاری و درچارچوب اصول دادرسی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹).
۲۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱ و ۲، (تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۸۳).
۲۳. نهرینی، فریدون، آیین دادرسی مدنی، ج ۲، (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۸).

۲۴. واحدی، قدرت‌الله، *بایسته‌های آیین دادرسی مدنی*، (تهران: میزان، ۱۳۸۲).
۲۵. یلفانی، علی‌اکبر، *شرح و تفسیر قوانین دادرسی مدنی*، ج ۱، (تهران: سپهر، ۱۳۸۰).

### ب) لاتین

26. Cadiet, Loïc et leTourneau, Philippe, *Abus de droit*, (Paris: Dalloz, 2015).
27. Capitant, Henri, *Sur l'abus des droits*. (Paris: RTD civ, 1928).
28. Colin, Ambroise, Capitan, Henri, *Traité de droit civil. Tome 2*, (Paris: Dalloz, 1953).
29. Cornu, Gérard et Capitant, Henri, *Vocabulaire juridique*, Paris: PUF, 2018).
30. Cornu, Gérard et Foyer, Jean, *Procédure civile*, (Paris: PUF, 1996).
31. Ghestin, Jacques et Goubeaux, Gilles, *Traité de droit civil – Introduction générale*, (Paris: L.G.D.J, 1993).
32. Jean Dabin, *Le droit subjectif*, (Paris: Dalloz, 1952).
33. Josseland, Louis, *De l'esprit des droits et de leur relativité : Théorie dite de l'abus des droits* (Paris: Dalloz, 1939).
34. Laurent, François, *Principes de droit civil français*, (Paris: Bruylant-Christophe, 1874).
35. Levy, E., *La vision socialiste du droit*, (Paris: Libraire-Editer, 1926).
36. Marty, Gabriel Raynaud, Pierre, *Droit civil*, (Paris: Siery, 1962).
37. Mazeaud, Henri, *Leçons de droit civil*, (Paris: Montchrestien, 1977).

38. Mazeaud, Henri; Mazeaud, Léon et Tunc, André, *Traité théorique et pratique de la responsabilité civile*, (Paris: Montchrestien, 1965).
39. Pansier, Frédéric et Jérôme, Abus de procédure, article 700 du Code de procédure civile et référé. Chronique, JCP 1983. I. 3105 et 3111.
40. Ray, Jean, *Index du code civil*, thèse complémentaire pour le Doctorat et lettres, (Paris: Alcan, 1926).
41. Saleilles, R. De l'abus de droit, rapport présenté à la première sous-commission de la commission de révision du code civil, Bull. (1905). Soc. études législative.
42. Savatier, René, *Des effets et de la sanction du devoir moral en droit positif français et devant la jurisprudence*, (Thèse pour le doctorat en Sciences juridiques, Poitiers université, 1916).
43. Solus, Henry et Perrot, Roger, *Droit judiciaire privé*. Tome I, (Paris: Sirey, 1961).
44. Wade, John, On Frivolous Litigation: A Study of Tort Liability and Procedural Sanctions. *Hofstra Law Review*.3 (1968), 433-497.

## (ج) آرای قضایی

### **Cour de cassation:**

45. \_\_\_\_, Chambre civile (Civ), 1er août 1950, S. 1951. 1. 100.
46. \_\_\_\_, Civ, 1re, 10 juill. 2014, n° 13-21.049.
47. \_\_\_\_, Civ, 1re, 22 juin 1965, Bull. civ. I, n° 413.
48. \_\_\_\_, Civ, 2 fév. 1956, Bull. cass., 1956. II, p. 65.
49. \_\_\_\_, Civ, 28 mars 1960, Gai. Pal., 1960. 2. 13.
50. \_\_\_\_, Civ, 2e, 16 févr. 1984, n° 82-12.399, Bull. civ. II, n° 30.
51. \_\_\_\_, Civ, 2e, 19 juin 1980, n° 78-15.488, Bull. civ. II, n° 144.
52. \_\_\_\_, Civ, 2e, 24 juin 1987, n° 84-15.173, Bull. civ. II, n° 137.
53. \_\_\_\_, Civ, 1re, 14 oct. 1964, Bull. civ. I, n° 448.
54. \_\_\_\_, Civ, 1re, 20 mars 2013, n° 11-27.285, Bull. civ. I, n° 42:



55. \_\_\_\_,Civ,1re, 25 févr. 1986, n° 84-14.208 , Bull. civ. I, n° 38 ; JCP 1987. II. 20776, note Remery.
56. \_\_\_\_,Civ,1re, 5 déc. 2006, n° 05-21.557 , PIBD 2007. III. 95.
57. \_\_\_\_,Civ,1re, 7 nov. 1995, n° 92-10.053, Bull. civ. I, n° 388.
58. \_\_\_\_,Civ,2e, 11 mars 1987, n° 85-16.815 , Bull. civ. II, n° 66.
59. \_\_\_\_,Civ,2e, 24 juin 1987, n° 84-15.173, Bull. civ. II, n° 137.
60. \_\_\_\_,Civ,2e, 5 févr. 2015, n° 14-11.169
61. \_\_\_\_,Civ,3e, 16 janv. 1991, n° 89-13.236, Bull. civ. III, n° 26 ; D. 1991. Somm. 323, obs. Aubert.
62. \_\_\_\_,Civ,10 nov. 1937, Gaz. Pal., 1937. 2. 926.
63. \_\_\_\_,Civ,2e, 4 mai 2000, n° 95-21.567, JCP 2000. II. 10356, note Garé.
64. \_\_\_\_,Civ,2e, 7 juill. 2005, n° 03-17.889.
65. \_\_\_\_,Civ, 2e, 8 janv. 1959, Bull. civ. I, n° 38.
66. \_\_\_\_,Civ, 3 déc. 1940, Gaz. Pal.,1941. 1.306 (2 arrêt).
67. \_\_\_\_,Civ, 6 nov. 1946, D. 1947. 49. Rapp. Cass.
68. \_\_\_\_,Civ,1re, 10 juill. 2014, n° 13-21.049:
69. \_\_\_\_,Civ,2e, 8 oct. 1970, D. 1971. Somm. 31
70. \_\_\_\_,Civ,3e, 19 févr. 2003, n° 01-13.429 , RJDA 2003, n° 558).
71. \_\_\_\_,Civ,3e, 8 oct. 2008, n° 07-14.396, Bull. civ. III, n° 148.
72. \_\_\_\_,Civ,6 nov. 1946, D. 1947. 49.
73. \_\_\_\_,Chambre commerciale (com), 13 mai 1958, Bull. cass., 1958. III, p. 153.
74. \_\_\_\_,Com,10 févr. 1965, Bull. civ. III, n° 108.
75. \_\_\_\_,Com,14 déc. 1903, S. 1905. 1. 223; req., 23.
76. \_\_\_\_,Com,15 mai 2007, n° 06-11.583 , PIBD 2007. III. 473.
77. \_\_\_\_,Com,20 mai 2014, n° 13-14.933:
78. \_\_\_\_,Com,21 avril 1959, Bull. cass., 1959. III, p. 162.
79. \_\_\_\_,Com,26 mai 1956, Bull. civ. III, n° 153.
80. \_\_\_\_,Com,29 mai 1967, JCP 1967. II. 15205, note Jack-Mayer.
81. \_\_\_\_,Com. 11 févr. 1963, Bull. civ. III, n° 92.
82. \_\_\_\_,Chambre des requêtes (Req), 14 déc. 1903, S. 1905. 1. 223.
83. \_\_\_\_,Req,21 juin 1926, S. 1926. 1. 294.

84. \_\_\_Req,23 janv. 1912, S. 1912. 1. 316.
85. \_\_\_,Chambre sociale (Soc), 23 mai 1950, Gaz. Pal., 1950. 2. 133.
86. \_\_\_,Soc,19 oct. 1966, Bull. civ. IV, n° 787.
87. \_\_\_, Soc,1er déc. 1950, Bull. civ. III, n° 910.
88. \_\_\_,Chambre criminelle (Crim), 19 déc. 1930, Gaz. Pal, 1931. 1. 103.
89. \_\_\_,Crim,18 fév. 1932, motifs, Gaz. Pal., 1932. 1. 629.
90. \_\_\_,Crim,23 1958, D. 1958. 725.
  
91. Cour d'appel, Agen, 11 juin 2014, n° 12/00812, AJCA 2014. 342. obs.
92. Cour d'appel, Lyon - 3ème chambre A - 19 janvier 2023 - n° 20/00579.
93. Cour d'appel, Paris, 14 mars 2007, PIBD 2007. III.
94. Cour d'appel, Paris, 2 déc. 1998, PIBD 1999. III. 96.
95. Cour d'appel, Toulouse, 7 févr. 1995, Juris-Data, n° 040114.
  
96. Tribunal judiciaire de Paris (TGI Paris), 30 mars 2007, D. 2007. 2370, n°74.

## **The measures of Abuse of Rights in Iranian and French Civil Proceedings**

### **Abstract**

*The prohibition of abuse of rights in civil proceedings is well established, and individuals are not permitted to abuse their rights. Consequently, the prohibition of the abuse of rights is acknowledged as a legal principle in civil proceedings. However, a significant question arises: what constitutes the measure for the abuse of rights in civil proceedings? Specifically, what use of right is deemed illicit and classified as an abuse of right? This study aims at answering this question.*

*The findings of this research indicate that according to the provision of Article 109 and Articles 133, 139, and 515 of the Civil Procedure Code, as well as the principles of abuse of rights in civil proceedings (purpose of proceedings, public order, and the role of ethics), the use of rights for motives other than pleading for justice and self-defense is deemed an abuse of rights and is illegal in the Iranian civil proceedings. In French law, according to an old legal maxim, malice in the exercise of a right results in the abuse of a right. The French Supreme Court has leaned towards the fault theory over time. Scholars have argued that a single rule cannot be considered for the abuse of rights in civil proceedings.*

**Keywords:** Evasion in law, fault, , Legal Principles, Good Faith, Malice.